

بررسی مبانی هستی‌شناسی نظام اجتماعی براساس کتاب نجما

کریم رضائی زاده^۱

۱- پست دکتری مدیریت کسب و کار

چکیده

یکی از چهارگانه‌های علوم فلسفه، هستی‌شناسی است. هستی‌شناسی از آنجا که به حوزه وجودی، بایدها و نبایدها می‌پردازد، بسیار دارای اهمیت است. از مواردی که فلسفه وجودی آن در هستی‌شناختی مورد بحث است، چستی نظام اجتماعات است. بنابراین برای دستیابی بهتر به این علم در نگاه جامع و الهی باید به بزرگترین رساله دنیوی و اخروی یعنی قرآن چنگ زد. از همین روی، هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر، بررسی مبانی هستی‌شناسی نظام اجتماعی با رویکرد ترکیبی نگاشت‌شناختی و سیستم‌های نرم براساس کتاب نجما می‌باشد. چستی نظام اجتماعی در عرصه مدیریت سیستم‌ها بنابر سیستم‌های اجتماعی (نسل سوم مدیریت سیستم‌ها) از دغدغه‌های مدیران اسلامی می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از ترکیب روش نگاشت‌شناختی و روش‌شناسی سیستم‌های نرم که یک روش‌شناسی شناخته شده و پر کاربرد در حوزه مسائل انسانی است و همچنین جزو روش‌های کیفی هم می‌باشد، بهره برده شده است. نتیجه آنکه براساس آموزه‌های قرآن کریم و به اجماع خبرگان مؤلف نجما، هستی‌شناسی نظام اجتماعی شامل ۵ بُعد: توحید، غایت‌مندی، سلسله مراتبی بودن، تبعیت تشریع از تکوین و وجود روابط متقابل می‌باشد. همچنین در این پژوهش مدلی خورشیدی ارائه گردید که پیشنهاد می‌شود بنابر اقتضات از آن بهره برده شود.

واژگان کلیدی: هستی‌شناسی، نظام اجتماعی، نگاشت‌شناختی، SSM، نجما

۱- مقدمه

هدفی که هر سازمان یا دولت به خاطر آن به وجود می‌آید، فلسفه وجودی یا رسالت آن‌هاست. پایه، اساس، بنیان، اول، شالوده و فلسفه‌ی هر چیز در هر جا به معنای مبنای آن است. مبنا در اصطلاح یعنی مجموعه اصول موضوعه‌ی متعارف و قواعدی که براساس استدلال از آنها، علم حاصل می‌شود و با مشروطیت این اصول و قواعد به کسب آگاهی از مجهول می‌پردازد. از حیث لغوی، جمع مکسر از واژه «مبنا» که خود از «بنی» اشتقاق یافته است، می‌باشد. کلمه «بنی» در لغت عرب به معنای بنا کردن یا ساختن خانه و نیز نیکی کردن آمده است. واژه «مبنای» نیز در این لغت به ساختمان‌ها یا حروف الفبا معنا شده است (معلوف، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۰۶-۱۰۷). همان‌طور که از تعریف بر می‌آید، برای بنا نهادن یک ساختمان باید ابتدا شالوده‌ی آن پی‌ریزی شود. همچنین این محوریت پایه‌ای در تمامی ارکان یک حوزه، اعم از مادی و معنوی صادق است. تحصیل شناخت و درک صحیح از الفاظ و واژه‌ها در هر رشته‌ی علمی، یکی از مقدمه‌های بایسته‌ی ورود به آن رشته علمی است (جعفری، ۱۳۸۷، ص ۴۲). یکی از این رشته‌های علمی، مباحث هستی‌شناسی است. در هستی‌شناسی که بخشی از دانش فلسفی است، ماهیت هستی، چرایی هستی و غایت هستی تبیین و بررسی می‌گردد (عظیمی شوشتری و میرچراغ خانی، ۱۳۹۶). به عبارت دیگر، هستی‌شناسی درگیر دانستن واقعیت پدیده‌هاست (Krauss, 2005, p:758) بنابراین در اجتماع یا سازمان بایستی از یک نظام اجتماعی بهره برد. هدف در این مقاله بررسی مبنای هستی‌شناسی نظام اجتماعی براساس نقشه جامع مدیریت اسلامی می‌باشد.

۲- ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

مبنای: لغت‌شناسان پارسی، واژه‌ی «مبنا» را به پایه، ابتدا، بنیان و اساس معنا کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۸۹). اساسی که چیزی بر آن قرار گرفته یا نگه داشته می‌شود

هستی‌شناسی: دسلر، هستی‌شناسی را تعیین مرجع انضمامی یک گفتمان تبیینی می‌داند، یعنی ساختارهای جهان واقعی (اشیاء و واحدها) و فرآیندهایی که یک نظریه مطرح می‌کند و در تبیین و تفسیر خود به آنها می‌پردازد (Dessler, 1989, p:3)

سیمبر (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «مبنای هستی‌شناسی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران» کنکاشی درباره‌ی مبنای هستی‌شناسی مکتب امنیتی ج.ا.ا انجام دادند و ایده‌ای را مطرح کردند که به جای اینکه نگرش امنیتی، فیزیکی، مادی و سخت‌افزارانه باشد، بیشتر غیرمادی، هویتی و نرم‌افزارانه است.

عروتنی موفق (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «مبنای هستی‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)» به جوابی در خصوص این سؤال که مبنای هستی‌شناسی فلسفی امام خمینی (ره) چیست؟ این مبنای چه تأثیری در شکل‌گیری اندیشه‌ی سیاسی ایشان داشته است؟ دریافتند که در نگاه امام، هستی دارای مراتب گوناگون است و اندیشه‌ی سیاسی ایشان براساس جهان‌بینی الهی، توحیدمدار است.

عظیمی شوشتری و میرچراغ خانی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «اسلام و مبنای هستی‌شناسی علوم انسانی» در صدد پاسخ به این پرسش بودند که تفسیر و تعریف اسلام از هستی چگونه است؟ و از دیدگاه اسلام، در مبنای هستی‌شناسی علوم انسانی چه مؤلفه‌هایی باید مورد توجه قرار گیرد؟ نتیجه آنکه دریافتند مهم‌ترین مبنای هستی‌شناسی اسلام عبارتند از: رئالیسم معرفتی، نیازمندی عالم امکان، هدفمندی هستی، سیر تکاملی جهان ماده،

حاکمیت نظام علت و معلول و سبب و مسبب بر جهان هستی، فناپذیری جهان طبیعت و ایمان به غیب. نتایج آنها با محوریت قرآن و استفاده از روایات و تفسیرهای اندیشمندان مسلمان به دست آمد. موسی‌پور (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیلی بر مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی نظریه برخاسته از زمینه» با بررسی اندیشه‌هایی که ریشه در فلسفه‌ی پراگماتیسم و همچنین مکتب کنش متقابل نمادین دارند و پی‌جویی تأثیرات آنها در روش‌شناسی این نظریه‌ها، راه را برای فهم بهتر و مشخص هموار کردند. با تکنیک مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با روش استدلال منطقی مورد مقایسه تطبیقی، نتیجه‌ی تحقیق نشان داد که مفروضات معرفت‌شناسی و بایسته‌های روش‌شناسانه‌ی نظریه‌ی برخاسته از روش‌شناسی پیچیده، جزءنگری به جای کل‌نگری، محقق خود ابزار تحقیق، روبه‌رو شدن با مشارکت‌کننده به جای نمونه می‌باشند.

صفرآهنگ (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقد فرانظری مبانی هستی‌شناختی حکمرانی دولت‌ها در سیاست‌گذاری سلامت برای کنترل همه‌گیری کووید-۱۹» (مطالعه موردی ایران)، به بحث در مورد تقدم پیش‌بینی مبانی هستی‌شناختی دولت بر سیاست‌های سلامت سبب می‌شود تا حکمرانی سیاسی، با کنشگری محدود اما کارگزار محور در مواجهه با پاندمی‌ها تحت تأثیر پارادایم‌های فلسفی، مفهوم سلامت جوامع انسانی را در معنایی متفاوت به کار برد. محقق به این نتیجه رسید که سیاست‌گذاری سلامت در منطق استثناء، متأثر از مبانی هستی‌شناختی این جوامع حائز ویژگی «تمرکزگرایی» در شیوه‌های اعمال قدرت حکمران سیاسی برای حفظ «جمعیت اجتماع» است.

هستی‌شناسی علم

وضعیت علم در هر زمان خاص، تا حدودی با نظریه‌های «پذیرفته شده» در آن عصر مشخص می‌شود. سؤالی که به وجود می‌آید این است که دقیقاً چه چیزی مستلزم یک نظریه است؟ پاسخ صریح ممکن است پاسخ یک واقع‌گرایی علمی باشد مبنی بر اینکه پذیرش (معقول) یک نظریه، به معنای باور (معقول) به صحت آن و در نتیجه، باور به این است که مفروضات هستی‌شناختی آن نظریه واقعیت دارند. نظریات پذیرفته شده (یا به بیان دقیق‌تر، اکثر آنها) حتی اگر این پذیرش به شکل صوری باشد، صراحتاً در پی توصیف جهانی (آکنده) از هویات «نهفته در پشت پرده‌ی» پدیده‌ها هستند؛ هوایاتی که بر طبق حقایق کلی معینی عمل می‌کنند و در نتیجه (همراه با قوانین حاکم بر ساختار موجود) منجر به تولید پدیده‌هایی می‌شوند که برای انسان قابل مشاهده هستند (جان وارل، ترجمه: الوند، ۱۳۸۴). در حوزه‌ی تعلیم و تربیت مانند علوم و معارف دیگر، با مکاتب و رویکردهای مختلفی سروکار داریم که با یکدیگر اختلاف نظر و چالش‌های اساسی دارند. تفاوت در جهان‌بینی‌ها که زمینه‌ساز این اختلافات است، خود حاصل اختلاف در مبانی شناخت است (گودرزی و بهشتی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳-۱۳۴).

علم مبتنی بر مشاهده‌ی حسی است و حواس انسان، به‌طور کلی و البته نه به‌طور کامل، قابل اعتمادند. ابتدای علم بر مشاهدات (اصالت تجربه) در نظریه‌ی اثبات‌گرایان منطقی به مفهوم تقدم مشاهده بر نظریه است و از نظر ابطال‌گرایان به معنی نقش گزاره‌های مشاهدتی در آزمون فرضیه و نظریه است. این ویژگی از سوی دیگر به این معنی است که تنها پدیده‌های قابل مشاهده (مستقیم یا غیرمستقیم) قابلیت مطالعه‌ی علمی را دارند. بدین ترتیب، باید گفت موضوعات مطالعاتی یا هستی‌شناسی علم، مادی است (میرمحمدی، ۱۳۹۱، ص ۷-۴۰).

نگرش اسلام به هستی

نگرش به هستی از نگرش‌های اساسی و بسیار اثرگذار در سبک زندگی افراد است. هر فرد به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه مجموعه‌ی هستی را به‌گونه‌ای می‌بیند و بر آن اساس، اهداف، بزرگراه‌ها و مسیرهای درازمدت زندگی خود

را ترسیم می‌کند. هستی‌شناسی اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. هر اندازه هستی‌شناسی افراد، شهروندان، گروه‌ها و جوامع با آموزه‌های اسلامی انطباق بیشتری داشته باشد و در مقررات و قوانین حاکم بر آنها اعمال شده باشد، سبک زندگی آنها به اسلامی بودن نزدیک‌تر است. صاحبان فکر و اندیشه در میان مسلمانان از زمان ظهور اسلام تا امروز بنا به توصیه و تأکید پیشوایان و رهبران خویش همواره در بحث هستی‌شناسی و معرفت به حقیقت عالم کنجکاو بوده‌اند و چون از سرچشمه‌ی وحی سیراب می‌شدند، هرگز به ماوراء عالم ماده با دید تردید نگاه نمی‌کردند (جوادی آملی، ۱۳۹۸).

هستی‌شناسی علی (ع)

سراسر تعالیم ائمه اطهار (ع) توضیح و تفسیر کلام الهی است و رمز پیوستگی دائمی و جدایی ناپذیری عترت و قرآن همین نکته است. همان‌گونه که خداوند در کلامش متجلی گشته، در وجود اهل بیت (ع) نیز ظهور و بروز یافته است. در این میان، شخصیت آسمانی حضرت امیرمؤمنان علی (ع) دارای اولویت است. ایشان در حقیقت، خلقت همراه و ملازم رسول خدا (ص) بوده و در عالم شهادت نیز مقارن و ملازم حضرت است. بررسی دیدگاه‌های هستی‌شناسانه امیرمؤمنان علی (ع) در حقیقت، بررسی حقیقت و اصل هستی است. آنچه ایشان ابراز می‌دارد در حقیقت تجلی علم خداوند متعال است؛ زیرا وجود حضرت، تجلی اعظم الهی است. ایشان وقتی روبه سوی ذات الهی دارد سخن از بطون و وحدت حق و یگانگی حقیقت وجود می‌گوید و این شأن را دور از تمامی افکار و اندیشه‌ها و اوهام بشری و همچنین مقام شهود عارفان می‌داند و زمانی که روبه سوی مقام اسماء و صفات الهی می‌نماید، سخن از بروز و ظهور و کثرت موجود می‌راند. ایشان به لحاظ مقام ولایت مطلقه و خلافت کلیه در حقیقت بعد از مقام خاتمیت، اولین مخلوق است و با نور وجودی حضرت رسول (ص) اتحاد وجودی دارد، بنابراین می‌تواند بی‌پرده از تجلی خداوند سخن بگوید. بنابراین بی‌شک بهترین و کامل‌ترین جهان‌بینی و هستی‌شناسی را در کلام ایشان می‌توان یافت (افراسیاب‌پور و ولی‌پور چهارده چریک، ۱۳۹۴، ص ۱۴۷-۱۶۲).

هستی‌شناسی روح‌الله خمینی

امام خمینی (ره) مانند هر فیلسوف دیگری از نظام جامع فلسفی برخوردار بوده و به بحث‌هایی که راجع به هستی‌شناسی، انسان و جامعه دارد، از منظر یک فیلسوف ارائه می‌کند (عروتنی موفق، ۱۳۹۵، ص ۵۱-۶۷). جامعیت امام (ره) در بین اندیشمندان مسلمان کم نظیر است، چرا که کمتر کسی را می‌توان یافت که هم در حکمت، هم در عرفان و هم در فقه و اصول در اوج باشد (فتائی اشکوری، ۱۳۸۹). اساس و بنیان نگرش هستی‌شناسانه‌ی امام خمینی (ره) را خدامحوری تشکیل می‌دهد. توحید، محور اصلی هستی‌شناسی امام (ره) و بنیاد جهان هستی است و ریشه و اصل همه‌ی اعتقادات او را در تمام ابعاد معرفت و اندیشه تشکیل می‌دهد. لذا به همان صورت که در هستی‌شناسی امام اصل توحید ملاک قرار گرفته، برای سایر معارف و اندیشه‌های ایشان نیز توحید به عنوان ملاک و معیار می‌باشد (عروتنی موفق، ۱۳۹۵، ص ۵۱-۶۷).

هستی‌شناسی سیدعلی خامنه‌ای

هر اندیشه‌ی تمدنی بر شالوده‌ی بنیان‌های فکری استوار می‌گردد که این بنیان‌ها، پایه‌های اساسی تمدن‌سازی را فراهم ساخته و براساس آنها انسان‌ها به مثابه عوامل تمدن‌ساز، قواعد آن را تنظیم و فرایند آن را شکل می‌دهند. فهم بنیان‌های مذکور، ماهیت تمدن‌سازی را آشکار ساخته و امکان شکل‌گیری تمدن بر پایه‌ی آن بنیان‌ها را فراهم می‌سازد. هر یک از اندیشمندان مسلمان از چپتی خاص تمدن‌اندیشی و تمدن‌گرایی را مورد توجه قرار داده‌اند؛ در

این بین، حضرت آیت الله خامنه‌ای به‌عنوان یکی از متفکران و رهبران برجسته‌ی جهان، به تمدن اسلامی و مبانی و ارکان آن اهتمام ویژه‌ای ورزیده و در صدد تحقق تمدن نوین اسلامی هستند (سلطانی، فرمانیان و روحی، ۱۳۹۸، ص ۵-۲۹). امام خامنه‌ای در مورد هستی‌شناسی و این جهان‌بینی و بینش اسلامی چنین می‌فرماید: «همه‌ی آنچه که در زمینه‌ی برنامه‌ریزی‌ها، خطوط اصلی برنامه‌ها را تشکیل می‌دهد، یک سر این برنامه‌های اصلی وصل است به آبشخور اندیشه‌ی اسلامی، جهان‌بینی اسلامی، تلقی و برداشت اسلامی؛ که این ایمان ماست، اعتقاد ماست، دین ماست؛ براساس آن برداشت و تلقی است که وظایف خودمان را مشخص می‌کنیم و می‌خواهیم به آنها عمل کنیم. آن مبنای فکری چیست؟ به‌طور کوتاه و خلاصه از اینجا باید شروع کنیم و ببینیم که آن خطوط اصلی تلقی و بینش اسلام از کائنات، از عالم و از انسان چیست؟ آن مجموعه‌ی متعارفی که خطوط اصلی عملکرد و وظایف ما از آنها به دست می‌آید- یعنی جهان‌بینی و بینش اسلامی- فصول متعددی دارد. یکی از آنها توحید است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴).

مبانی هستی‌شناسی و برون‌دادهای آن در سیاست اسلامی

شناخت ابعاد مختلف هستی، در فهم مسائل اساسی سیاست اسلامی مؤثرند. بشر از آغازین دوره‌های حیات تاکنون، همت خود را بر شناخت هستی متمرکز کرده و مکاتب مختلفی را در این مورد به وجود آورده است و بر مبنای آن، جایگاه خود را به‌عنوان بخشی از هستی معین کرده و به طراحی نظام‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پرداخته است. هستی‌شناسی‌ها در نگاه غیرالهی بر مبناهای مادی استوارند و به دلیل نادیده‌انگاری ابعاد فرامادی هستی، نمی‌توانند ماهیت هستی را درست و جامع بشناسند و البته این وضعیت تا عصر ما تداوم یافته و نظامات اندیشگی در حوزه‌های متکی به هستی‌شناختی، مثل نظامات اجتماعی و سیاسی رفتار انحراف و ناکارآمدی شده است و وجود چنین آسیب‌هایی درنگ برای شناخت درست و جامع هستی را ضروری می‌سازد (عابدی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۷-۲۲۳). از جاهایی که می‌توان نمود این هستی‌شناسی سیاست محور براساس آموزه‌های اسلام را مشاهده کرد، حکمرانی اسلامی است.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف توسعه‌ای است، همچنین نوع روش تحقیق مورد استفاده از نوع روش‌های کیفی است. از این رو، برای اجرای روش‌های انتخاب شده (ترکیبی از نگاشت‌شناختی و سیستم‌های نرم)، جامعه نمونه آماری این پژوهش افراد و صاحب‌نظران مدیریت اسلامی کل کشور در زمان قبل از تدوین و بعد از تدوین و تألیف نقشه جامع مدیریت اسلامی (نجما) می‌باشند.

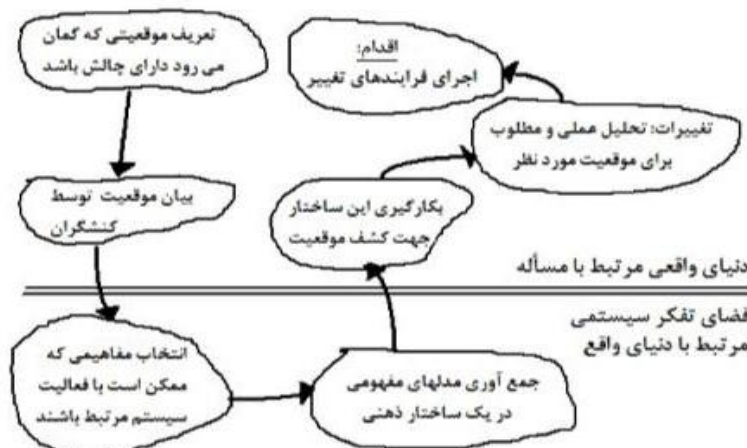
یافته‌های پژوهش

با توجه به روشن نبودن مفهوم هستی‌شناسی در ادبیات علم مدیریت اسلامی و فلسفی کشور و همچنین تعدد دیدگاه‌های صاحب‌نظران درخصوص این مفهوم، نیاز است تا با بهره‌گیری از ترکیب روش‌شناسی سیستم‌های نرم و ترسیم نقشه‌های شناختی خبرگان، با در نظرگیری شناختی که از موقعیت مسئله، ایده‌های تغییر این مفهوم- شناسایی شده و ایجاد و توسعه مدل آن با استفاده از شناخت تمامی دیدگاه‌ها حاصل گردد. بر مبنای این شناخت، هدف رسیدن به ایده‌هایی است که برای تمامی جناح‌های فکری مطلوب باشند و در عین حال، با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی موقعیت مسئله، امکان‌پذیر باشد. در واقع این کار، فرآیند سازش دیدگاه‌های مختلفی است که به ایجاد نوعی تغییر در موقعیت بپردازد که همه افراد، به رغم وجود دیدگاه‌های متفاوت، آن را پذیرا بوده و علاوه بر آن، نوعی یادگیری

گروهی حاصل گردد که علاوه بر تغییر و بهبود یک موقعیت مسئله‌زا، منجر به ایجاد بازتابی بر چارچوب ایده‌های هر یک از ذینفعان نیز بشود.

پژوهشگران تعاریف متعددی نسبت به روش‌شناسی ارائه کرده‌اند که نسبت به این تعاریف، اجماعی وجود ندارد. تا پیش از دهه ۷۰ میلادی، روش‌شناسی‌های مرسوم برای حل مسائل انسانی و مدیریتی، روش‌شناسی‌های سخت بوده‌اند که مبنای آنها، پارادایم اثبات‌گرایی است. براساس علم اجتماعی اثبات‌گرا، رویدادهای اجتماعی از نظمی طبیعی در جهان پیروی می‌کنند و الگوهای اساسی واقعیات اجتماعی ثابت هستند. این دیدگاه، انسان را موجودی عقلایی و لذت‌طلب می‌داند که تحت تأثیر روابط جبرگرایانه قرار دارد و انسان‌ها و رفتار آنها معلول شرایطی است که بر آنها کنترلی ندارد. به عبارت بهتر، اعمال انسان توسط نیروهای بیرونی شکل گرفته و قابل پیش‌بینی است. این روش‌شناسی‌ها که به اصطلاح روش‌شناسی‌های سخت نامیده می‌شوند، مبتنی بر اصول مهندسی و علمی بوده و از رویکردی ابزارمحور و سیستماتیک برخوردار هستند. این روش‌شناسی، مناسب سیستم‌های ساده‌ای است که در آن، افراد برداشت‌های یکسانی از موقعیت مسئله دارند. در حالی که برای حل مسائل انسانی و مدیریتی، که مرتبط با موقعیت‌های مسئله‌مدار است، نیاز به روش‌شناسی متفاوتی است. این نوع روش‌ها، روش‌شناسی‌های نرم نامیده می‌شوند که روشی کل‌نگر، تفسیری، سیستمیک و مسئله‌محور بوده و هدف آن مواجهه با موقعیت‌های مسئله‌مداری است که براساس جهان‌بینی‌های متناقض و اقدامات هدمند، شکل گرفته است. یکی از موفق‌ترین روش‌شناسی‌های نرم، روش‌شناسی سیستم‌های نرم است که برای نخستین بار در دهه ۷۰ میلادی توسط پیتر چکلند و همکارانش در دانشگاه لنکستر ابداع شد. این روش‌شناسی از رویکرد اقدام‌پژوهی در سیستم‌هایی استفاده می‌کند که علاوه بر پیچیدگی، با مسائل دنیای واقعی یکپارچه شده‌اند. در اقدام‌پژوهی، پژوهشگر و ذینفعان، در موقعیت مسئله مداخله می‌کنند و سعی در انجام اقداماتی دارند که منجر به بهبود موقعیت مسئله می‌گردد (حنفی‌زاده و محرابیون محمدی، ۱۳۹۲). در این بخش، به منظور تشریح یافته‌های پژوهش، از روش‌شناسی سیستم‌های نرم استفاده می‌شود. چکلند، روش‌شناسی سیستم‌های نرم را به ترتیب مراحل زیر توصیف کرده است:

شکل ۱: مراحل هفت‌گانه روش‌شناسی سیستم‌های نرم (Checkland, 1999)



شکل ۱: مراحل هفت‌گانه روش‌شناسی سیستم‌های نرم (Checkland, ۱۹۹۹)

همان‌طور که در شکل فوق نشان داده شده است، مراحل اصلی روش‌شناسی سیستم‌های نرم، به شرح زیر است:

- ۱- تعریف موقعیتی که گمان می‌رود دارای چالش باشد؛
- ۲- بیان موقعیت توسط کنشگران (از طریق نگاشت، تصویر غنی شده و ...)
- ۳- انتخاب مفاهیمی که ممکن است با فعالیت سیستم مرتبط باشند؛
- ۴- جمع‌آوری مدل‌های مفهومی در یک ساختار ذهنی؛
- ۵- به‌کارگیری این ساختار برای کشف موقعیت در دنیای واقعی؛
- ۶- تغییرات: تحلیل عملی و مطلوب برای موقعیت مورد نظر (حل مسئله)؛
- ۷- اقدام: اجرای فرآیندهای تغییر.

بر این اساس، چک‌کنند، معتقد است که مراحل هفت‌گانه روش‌شناسی سیستم‌های نرم، بایستی در دو فضای اصلی جداگانه اجرا شوند. همان‌طور که در شکل فوق نشان داده شده است، مراحل ۱ و ۲ و ۵ و ۶ و ۷ در دنیای واقعی مرتبط با مشکل و همچنین مراحل ۳ و ۴، در فضای تفکر سیستمی مرتبط با دنیای واقع اجرا می‌شوند.

مرحله اول: تعریف موقعیتی که گمان می‌رود دارای چالش باشد:

آیا نظام‌های اجتماعی و هستیت آن برای رشد و کمال، انسان‌ها را به سمت پروردگار آماده می‌کند؟ نخستین مرحله از روش‌شناسی سیستم‌های نرم، تعریف موقعیتی است که گمان می‌رود دارای چالش و مشکل‌دار باشد. بر همین اساس، یافته‌های مطالعات کتابخانه‌ای و جمع‌بندی آن درخصوص مسئله و چالشی که هستی‌شناسی به دنبال حل آن است، در این بخش ارائه شده است. نظام‌های اجتماعی غیرالهی حاکم بر جهان، با یک نگاه و فلسفه اومانستی، انسان را به شکل ماشینی متحرک در می‌آورد که اعمال انسانی وی نیز نه با اختیار خود، بلکه به واسطه جبر بیرونی صورت می‌گیرد. در همین زمینه شهید بهشتی فرموده است: "ما از اول گفته بودیم که امتیاز بزرگ اسلام این است که می‌خواهد با حفظ آزادی‌های انسان، انسان‌ها را بسازد. تشکیلاتی اسلامی است که می‌کوشد تا انسان‌ها را همسو کند نه اینکه انسان را قالبی بسازد". از تأثیرگذارترین این نظامات اجتماعی، سیستم مدیریتی غرب است که هم اکنون در تمام جهان و حتی کشورمان ایران نیز ریشه دوانده است. اگرچه به دلیل تفاوت‌های عمیق فرهنگی ایران با خاستگاه این تفکر، عملاً کارآمدی ظاهری نظام اداری غرب در سیستم اداری ما دیده نمی‌شود. اما آیا این کارآمدی غیرانسانی، اساساً با آرمان‌های ملت ایران در انقلاب اسلامی که منبعث از آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) است، سازگار است؟ آیا نیل به کارآمدی که در آن افراد تنها به واسطه اجبار قانونی و ساختاری (مانند ترس از دوربین‌های حفاظتی مدار بسته) و یا شرطی شدن، وظایفشان را انجام می‌دهند، از دیدگاه اسلامی مطلوب است؟ آیا این الگو فضا را برای رشد و کمال انسان‌ها به سمت پروردگار آماده می‌کند؟ آیا الگوها و نظریه‌های مدیریتی که در زمان تدوین آنها هیچ توجهی به شرایط اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی کشور ایران نشده است، می‌تواند در این کشور مورد استفاده قرار گیرد و مسائل آن را حل کند؟ آیا نظام اجتماعات هستی‌شناسانه مدون و جامع وجود دارد؟

مرحله دوم: بیان موقعیت توسط کنشگران:

دومین مرحله از روش‌شناسی سیستم‌های نرم، بیان موقعیت مشکل‌دار توسط کنشگران و تصمیم‌گیرندگان کلیدی است. به منظور درک بهتر موقعیت مسئله، تحلیل‌گر می‌تواند از سه دسته تحلیل استفاده نماید. این سه دسته به ترتیب تحلیل خود مداخله، تحلیل اجتماعی و تحلیل سیاسی نام دارد که بر همین اساس، برای بیان موقعیت

هستی‌شناسی نظام اجتماعی به اجماع نظرات خبرگان در تهیه نمجا اکتفا و اتکا می‌شود. در نتیجه با استفاده از تحلیل کنشگران می‌توان بیان کرد که «بومی‌سازی الگوهای مدیریت در دنیا یک ضرورت است و نه یک انتخاب.»

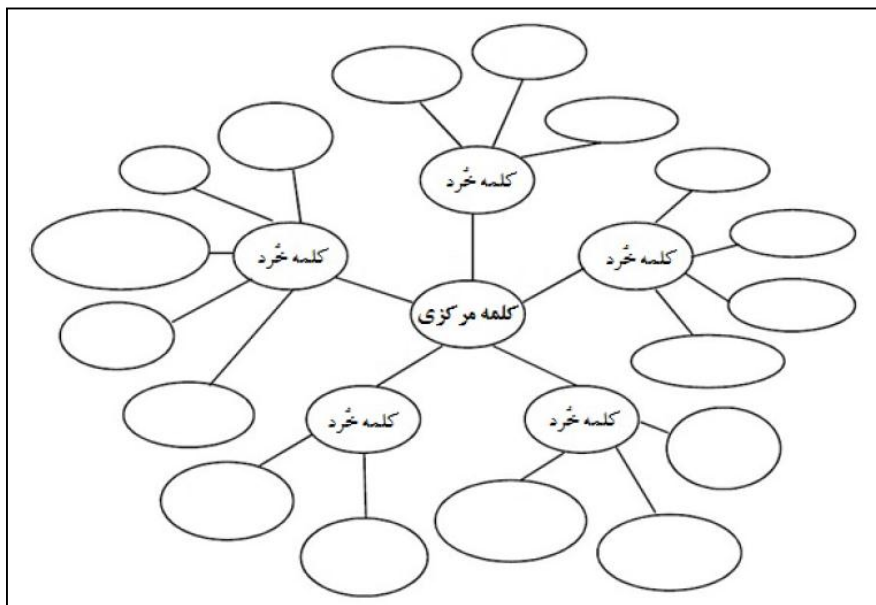
دومین مرحله از روش‌شناسی سیستم‌های نرم، بیان موقعیت مشکل‌دار توسط کنشگران و تصمیم‌گیرندگان کلیدی است. به منظور درک بهتر موقعیت مسئله، تحلیلگر می‌تواند از سه دسته تحلیل استفاده نماید. این سه دسته به ترتیب تحلیل خودمداخله، تحلیل اجتماعی و تحلیل سیاسی، نام دارند. در تحلیل خودمداخله، محقق به شناسایی کارفرمایان، مجریان و صاحبان موضوع می‌پردازد و برای رسیدن به این هدف، به بررسی نقش‌های سازمانی می‌پردازد. در تحلیل اجتماعی، به واقعیت اجتماعی موقعیت مسئله پرداخته می‌شود. زیرا بیشتر محرک فعالیت‌های انسانی منطقی نیست و ریشه در هنجارهای فرهنگی و احساسات دارند. همچنین، تحلیل سیاسی می‌تواند بر اجرا یا اجرا نشدن یک تصمیم تأثیر بگذارد. بر این اساس، به تحلیل سیاسی نیاز است تا با اتکا بر آن، ارکان قدرت و توزیع قدرت به درستی شناسایی گردد. کشور ایران برای پیشرفت راهی جز این ندارد که الگوی مدیریتی خود را پیدا کند. با الگوهای مدیریتی عاریه‌ای و تقلیدی نمی‌توان موفقیتی حاصل کرد. علت آن است که الگوهای غربی با زیرساخت‌های اجتماعی و باورهای ایرانی، سازگاری ندارند. برای مثال، بوروکراسی یک الگوی مدیریتی در غرب است که تبدیل به تسهیل‌کننده در نظام اداری آنها شده است؛ در حالی که، همین بوروکراسی در ایران تبدیل به یک مانع بزرگ در نظام اداری سازمان‌های ایرانی شده است. وقتی این الگوها با باورهای ما همخوانی نداشته باشند، هیچ کارکرد بلندمدتی هم برای سازمان‌های ایرانی ندارند. هرچند که ممکن است در ظاهر خوب جلوه کنند و برخی مسائل را حل نمایند. بنابراین بومی‌سازی نظام‌های اجتماعی بر مبنای چپستی آنها موضوعیت دارد.

مرحله سوم: انتخاب مفاهیمی که ممکن است با فعالیت سیستم مرتبط باشند:

در این مرحله، روش‌شناسی سیستم‌های نرم از دنیای واقعی خارج می‌شود و به دنیای سیستم وارد می‌گردد. در مطالعه حاضر، به منظور انتخاب مفاهیمی که با موضوع هستی‌شناسی نظام اجتماعی براساس کتاب نمجا مرتبط باشند و به استخراج تصویر غنی شده کمک می‌کنند، پرداخته شود. این تصویر غنی شده با تکنیک نگاشت‌شناختی به دست می‌آید.

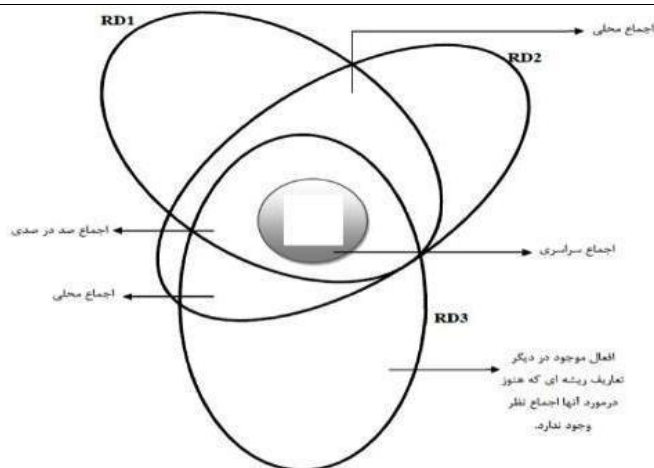
نگاشت شناختی، یک تکنیک مدل‌سازی رسمی است که شامل قواعدی برای گسترش و توسعه خود است. پایه‌ی رسمی نقشه‌های شناختی، از نظریه‌ی مفهومی فردی (Kelly, ۱۹۵۵) (نشأت می‌گیرد که هدف آن درک چگونگی معناسازی انسان‌ها از دنیای پیرامون خود، با مدیریت و کنترل آن است.

در مجموع، سه روش نگاشت شناختی توسط صاحب‌نظران علوم اجتماعی و مدیریت ارائه شده است که عبارت‌اند از نگاشت علی، نگاشت مفهومی و نگاشت معنایی (Siau & Tan, ۲۰۰۵, p. ۳۴۳-۳۶۵). (در پژوهش حاضر، از روش نگاشت معنایی استفاده شده است. روش نگاشت معنایی، به منظور کشف ایده یا فکر خبرگان، بدون محدودیت‌های ساختار اضافی، به کار برده می‌شود. ساخت یک نقشه معنایی با قرار دادن ایده اصلی در مرکز صفحه آغاز می‌شود و به سمت بالا در جهت‌های مختلف ادامه می‌یابد، به گونه‌ای که ساختاری سازمان‌یافته و روبه رشد، شامل واژگان و تصاویر کلیدی را ایجاد می‌کند. اطراف ایده اصلی (کلمه مرکزی)، حدود ۵ الی ۱۰ تفکر/ایده (کلمه خرد)، مرتبط با کلمه مرکزی کشیده می‌شوند. سپس هر یک از این کلمات خرد، به عنوان کلمه‌ی مرکزی برای مرحله بعدی کشیدن نقشه انتخاب می‌شوند (مقنی‌زاده، ۱۳۷۷). به عبارت دیگر، همان‌طور که در شکل زیر نشان داده شده است، نقشه‌ی معنایی یک مفهوم مرکزی یا اصلی با شاخه‌هایی درخت مانند، دارد.



شکل ۲: نقشه شناختی حاصل از نگاشت معنایی (Siau & Tan, 2005, p:343-365)

مرحله چهارم: جمع‌آوری مدل‌های مفهومی در یک ساختار ذهنی: در این مرحله از پژوهش، به منظور جمع‌آوری مفاهیم در یک ساختار ذهنی، از روش ساخت مدل اجماع وظیفه اولیه استفاده شده است. انواع اجماع گروه‌ها و جناح‌های مختلف نگرشی در روش سیستم‌های نرم برای طراحی شبکه‌های دانش در هاب‌های پژوهشی هستی‌شناسی نظام اجتماعی به شکل زیر نشان داده شده است. هر یک از دیدگاه‌های متفاوت نسبت به مسئله، یک سیستم فعالیت‌های انسانی منحصر به فردی را ایجاد می‌نماید که ناشی از سیستم فعالیت‌ها و سیستم اجتماعی هر یک از جناح‌های فکری است. در نتیجه، فرآیند حصول اجماع در نظر دارد که این سیستم، فعالیت‌های انسانی منحصر به فرد را، در طی تکرارهای محدودی، به یک سیستم فعالیت انسانی قابل پذیرش توسط جناح‌های فکری مختلف تبدیل نماید. در این پژوهش، برای آنکه نقشه شناختی گروهی به دست آمده، انعکاس‌دهنده توافق نظر جناح‌های فکری گوناگون درگیر در مسئله باشد، نقشه‌های شناختی فردی خبرگان با روش ساخت "مدل اجماع وظیفه اولیه"، ادغام شده و نقشه شناختی گروهی به دست آمده است. با پیاده‌سازی این روش، مدل‌های مفهومی در هر تعدادی که باشند می‌توانند به یک مدل واحد که مورد قبول تمامی جناح‌های فکری باشد، کاهش یابند که از طریق تعامل با مدیران مربوطه می‌توان به عنوان یک مدل اجماع وظیفه اولیه مرتبط با یک سازمان خاص، در زمینه اجتماعی مخصوص به خود آن سازمان، دفاع پذیر باشد. از آنجایی که چنین مدلی بر مبنای تحلیل چندین برداشت قرار دارد، یک "واقعیت ساخته شده" را در معرض نمایش می‌گذارد.



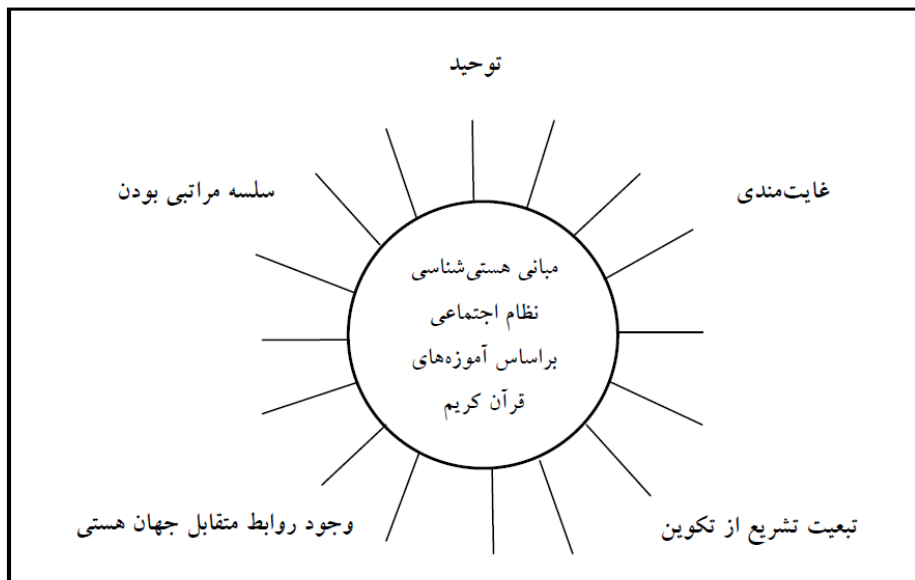
شکل ۳: انواع اجماع در روش‌شناسی سیستم‌های نرم Wilson (2001)

مرحله پنجم: به کارگیری ساختار ذهنی بدست آمده برای کشف موقعیت: در این مرحله، روش‌شناسی سیستم‌های نرم، مجدداً از دنیای سیستم‌ها به دنیای واقعی برمی‌گردد. از سوی دیگر، پس از شروع به ساخت مدل اجماع وظیفه اولیه، جناح‌های فکری پیوند عمیق‌تری را میان دیدگاه‌های یکدیگر احساس کردند که این موضوع منجر به برقراری ارتباطات بیشتری میان ابعاد و فعالیت‌های صاحب‌نظران در گردآوری نجما شده است.

همان‌طور که اشاره شد ابعاد و مؤلفه‌های مطلوب و مشترک در نقشه‌های شناختی استخراج شده، در مرحله نخست مشخص گردیدند و در قالب مدل وظیفه اولیه آزمایشی به نمایش درآمده‌اند. پس از این مرحله، تعریف ریشه‌ای بر مبنای مدل وظیفه اولیه آزمایشی، به دست آمد و با توجه به آن، مدل آزمون ساخته شد. در این مرحله برای ساخت مدل اجماع وظیفه اولیه، می‌بایست در مدل آزمون انسجام لازم برقرار گردد. بدین منظور طی جلساتی که با جناح‌های فکری مختلف (براساس کتاب نجما) برگزار شد، یکسری ابعاد غیرضروری حذف شد و یکسری ابعاد مکمل مورد اجماع، به مدل تحقیق افزوده شد. از سوی دیگر، پس از شروع به ساخت مدل اجماع وظیفه اولیه، جناح‌های فکری پیوند عمیق‌تری را میان دیدگاه‌های یکدیگر احساس کردند که این موضوع منجر به برقراری ارتباطات بیشتری میان ابعاد و فعالیت‌های موجود در مدل آزمون گردید. این موضوع خصوصاً در نزدیک شدن نگرش‌های موجود در هر کدام از صاحب‌نظران دانشگاهی و مدیران اجرایی دستگاه‌های دولتی و افراد حوزوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این مرحله همچنین تعدادی از ابعاد تکمیلی در جلسه گروهی خبرگان مطرح گردید و به مدل اضافه شد که نتایج اعمال این دیدگاه‌ها و محدودیت‌های توسعه آنها را به طور واضح‌تری انعکاس می‌داد. بر همین اساس، پس از طی مراحل فوق‌الذکر، نقشه شناختی گروهی صاحب‌نظران دانشگاهی و مدیران اجرایی و افراد حوزوی، به شکل زیر نهایی شده و ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی توسعه هستی‌شناسی نظام اجتماعی استخراج شده است. البته لازم به ذکر است ابعاد و مؤلفه‌های شناسایی شده در مدل فوق، براساس نگاشت شناختی و ترسیم نقشه ذهنی خبرگان مورد مطالعه در این تحقیق بدست آمده و این الگو، توافق افراد صاحب‌نظر با استناد به کتاب نجما است.

مرحله ششم: تحلیل عملی و مطلوب تغییرات برای موقعیت مورد نظر:

در این مرحله، به سنجش تفاوت‌ها میان مدل مفهومی حاصله و دنیای واقعی پرداخته می‌شود.



شکل ۴: مبانی هستی‌شناسی نظام اجتماعی براساس آموزه‌های قرآن کریم (با اقتباس از نجم، ۱۳۹۸)

همان‌طور که از شکل (۴) مشخص است، عوامل به صورت کلان و خرد، عوامل درونی و بیرونی می‌توانند در شکل‌گیری این نوع نظام اجتماعی اثرپذیر و یا اثرگذار باشند. برای آنکه بهتر بتوانید اهمیت این رویداد و تأثیرات مدل خورشیدی نظام اجتماعی مبتنی بر هستی‌شناسی اسلامی را بر پیرامون آن درک کنید، باید ساختار خورشید و تأثیر آن بر محیط را از نظر ساختار و جوّ اطراف بهتر بشناسید. میزان مرزگستری، پوشش محیطی، درونی‌سازی، بیرونی‌سازی، عینی‌سازی، هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی این نوع نظام اجتماعی به عنوان سیستمی تعالی‌گرا به شرایط حاکم بر سازمان و جامعه برمی‌گردد. برای آنکه این نظام اجتماعی کاربردی‌تر شود باید لایه‌های آن را شناخت. برای این مهم باید نگاه خورشیدی داشت. این مدل مانند خورشید دارای ساختار هسته، پوسته و گوشته است و هر مؤلفه را برحسب اهمیت و فوریت می‌توان در آن جای داد و از آن بهره برد.

پژوهشگران مدیریت اسلامی بر اصول مبانی خاص و اخص در مبانی هستی‌شناسی (بود یا نبود) همواره با چالش‌هایی روبه‌رو هستند. اگر مبانی از نوع محتوایی باشد، طبیعی است که هر نوع دسته‌بندی براساس مبانی محتوایی هستی‌شناسی (مبانی هستی‌شناسی) شکل می‌گیرد. به‌عنوان مثال در این مبانی محتوایی برای هستی‌شناسی می‌توان از مبانی خالق‌شناسی (ناظر به ویژگی‌های ذاتی، صفاتی و افعالی خداوند)، مبانی مخلوق‌شناسی (مبانی آفاقی‌شناسی: ناظر به سلسله مراتبی بودن عوالم هستی، مبانی انفس‌شناختی: ناظر به پدیده‌های انسانی فرد و ساخت وجودی انسان و مبانی آفاقی و انفسی: ناظر به سنن لایتغیر مطلق و یا مشروط الهی) و مبانی رابطه‌ی خالق و مخلوق (رابطه‌ی تکوینی و تشریعی میان آنان) اشاره کرد. چنانچه از این محتویات الهام گرفته شود و بنا باشد به اجماع و اجتماع الهی دست یافته شود، بهتر است چیدمان مبانی هستی‌شناسی نظام اجتماعی به‌عنوان پدیده‌ی اجتماعی با تبعیت از نظام

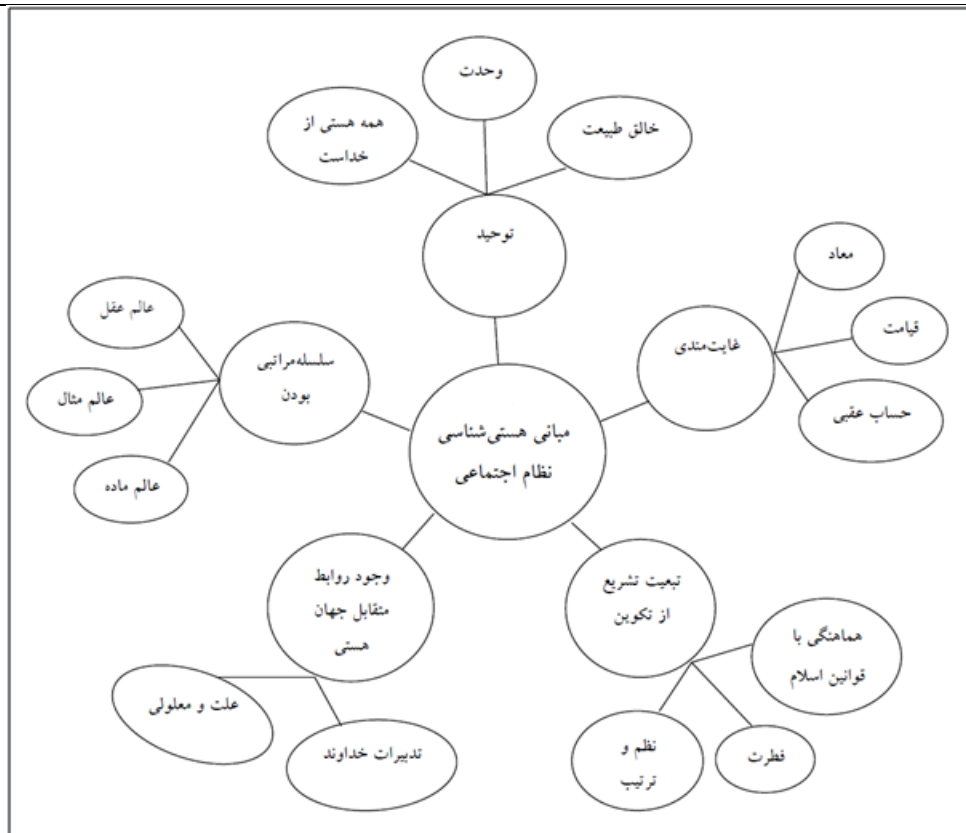
اجتماعی قرآن کریم محقق گردد. لذا قرآن کریم، با تهذیب باطنی و تعدیل رفتارهای ظاهری و فردی به زندگی جمعی، سعی در ارتقاء هدفمندی، هماهنگی، هویت و ادراکات ناشی از شیوهی صحیح نظام اجتماعی در جوامع را دارد. بنابراین در این پژوهش، دسته‌بندی‌های هستی‌شناسی برحسب نظام اجتماعی قرآن کریم به شرح ذیل می‌باشند: -اصل توحید در جهان هستی: عالم طبیعت هستی خالق دارد و آنچه در آن است برای انسان و همه‌ی هستی، از خداست.

-سلسله مراتبی بودن جهان هستی: جهان هستی سه عالم دارد: عالم عقل (مجردات)، عالم مثال (برزخ) و عالم ماده که پایین‌ترین مرتبه‌ی هستی است. مسیر و ابزار عالم عقل، عالم ماده است. -غایت‌مندی جهان هستی: هدفمند خلق شدن و به معاد و قیامت و حساب عقبی اعتقاد داشتن را مورد بحث قرار می‌دهد.

-وجود روابط متقابل در جهان هستی: ارتباط تنگاتنگ (علت و معلولی) همه‌ی هستی و بهره‌گیری از تدبیرات خداوند را مورد بحث قرار می‌دهد.

-تشریع براساس تکوین: خلق جهان برای رسیدن به کمال حقیقی در قالب نظم و ترتیب خالق یکتا براساس فطرت و هماهنگی با خصوصیات او (قوانین اسلام) را مورد بحث قرار می‌دهد.

بنابراین جهت رسیدن به یک تعالی در نظام اجتماعی و پیروی از نظام معنایی و اجتماعی آن، علاوه بر مبانی محتوایی، به صورت گسترده‌تر باید از مبانی هستی‌شناسی نظام اجتماعی قرآن کریم بهره‌ی کافی برده شود. بنابراین وحدت و یگانگی، رعایت سلسله مراتب، غایت‌مند بودن، ایجاد روابط و هماهنگی‌های متقابل تمام مؤلفه‌ها و تبعیت از تکوینات و تشریعیات در پیاده‌سازی نظام اجتماعی موضوعیت دارد.



شکل ۵: الگوی مفهومی و نقشه شناختی مبانی هستی‌شناسی نظام اجتماعی.

مرحله هفتم: اجرای فرآیندهای تغییر:

گام نهایی از روش‌شناسی سیستم‌های نرم، مربوط به اجرای تغییرات پیشنهاد شده است که با توجه به اختیارات و موجودیت می‌توان از آن در عرصه‌های اجتماعی بهره برد.

با توجه به نتایج حاصل از این گام، تحلیلگر بایستی به ارائه اقداماتی برای تغییر در موقعیت مسئله بپردازد. تحلیلگر بایستی اقداماتی را مطرح نماید که مطلوب همه ذینفعان بوده و در عین حال، شرایط اجتماعی و فرهنگی موقعیت مسئله را لحاظ نماید. چنین اقداماتی بایستی از طریق چرخه بهبود صورت پذیرد. چک‌لند، تغییرات صورت پذیرفته را شامل تغییرات در ساختار (تغییرات سازمانی)، تغییر در فعالیت‌ها (رویه‌ها) و تغییر در نگرش‌ها می‌داند. نتایج حاصل از این مرحله، منتج به مجموعه‌ای از پیشنهادها برای تغییر خواهد شد که در صورت مطلوبیت می‌توانند شواهد مرتبط با این حوزه را برای پشتیبانی از دیدگاه مورد نظر، جمع‌آوری کنند. در هر صورت، این موضوع که جایگزینی مجموعه‌ای کامل قابل قبول باشد، به نظر غیرواقعی خواهد آمد. ایجاد یک تغییر خاص، از دیدگاه تحلیلگر منطقی‌تر است، اما برای مدیری که در برهه‌های خاص بوده و می‌بایست با روابط و سیاست‌های داخلی و بعضاً ناشناخته یا عمیقاً فلسفی، خود را وفق دهد، ممکن است این تغییر هر چیزی باشد به غیر از آنکه منطقی تلقی شود. جهت حصول تغییرات قابل اجرا، می‌بایست دو معیار را مد نظر قرار داد. نخست آنکه این تغییرات باید بر مبنای تحلیل سیستم‌ها،

مطلوب باشد و دیگر آنکه می‌بایست از نظر فرهنگی، امکان‌پذیر باشد. بدین معنا که بتوان آنها را به یک مدیر خاص در شرایطی خاص پیشنهاد داد. هرچند این فعالیت از بحث هم‌سنجی و مقایسه تحلیلگر جداست و ارزیابی امکان‌پذیری می‌تواند همزمان با مشارکت مدیران و اجماع و اجتماع مرتبط صورت پذیرد.

۳- نتیجه‌گیری

همان‌طور که نتایج به کارگیری روش ترکیبی سیستم‌های نرم و نگاشت شناختی در این تحقیق و ترسیم نقشه شناختی گروهی صاحب‌نظران دانشگاهی و مدیران دستگاه‌های اجرایی و تفسیر آنها از ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی مفهومی توسعه هستی‌شناسی نظام اجتماعی نشان می‌دهد، فلسفه، ژرفای وجود و هستی را می‌کاود و موضوع آن «وجود» است. فهم از هستی، بنیادی‌ترین دغدغه انسان در ساحت اندیشه و مکتب‌های گوناگون مختلف فلسفی است. فهم ساختار و سازه‌های هستی‌شناسانه از فلسفه، مورد انتظار است و پایه‌های آن در این دانش پی‌ریزی می‌شود. در فلسفه سیاسی بدون نگرهای سنجیده از هستی‌شناسی، نمی‌توان بحثی جدی و دقیق از سیاست و نظام سیاسی ارائه کرد. سامان‌بخشی نظام فکری- سیاسی، از هستی‌شناسی آغاز می‌شود که در فلسفه استوار می‌شود. با آنکه هستی امری بدیهی و انکارناپذیر است، اما فهم و حضور آن در گنه همه موجودات، نسبت آن با ماهیت، نوع نگرش به آن و دیدگاه اصالت وجودی که همه موجودات، هستی خود را از «وجود» بجویند و بگیرند، از بحث‌های درازمدت در اندیشه‌ورزی‌های انسان بوده است. آنگاه که این امر با جامعه و مناسبت‌های اجتماعی همراه می‌شود، بر پیچیدگی و ابهام آن افزوده می‌شود. اهمیت مسئله هستی، چپستی و هدف، از آنجا است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در مسائل اساسی اندیشه سیاسی و زندگی جمعی، اثرگذار است و می‌تواند در حل گره‌های ناگشوده آن یاری‌رسان باشد. از آنجا که سرچشمه فلسفه سیاسی اسلامی و بنیادهای نظری آن در هستی‌شناسی توحیدی و خدامحوری در تکوین و تشریع استوار شده است؛ بنابراین دیدگاه این فیلسوفان به زندگی سیاسی و هدف آن نیز متفاوت از کسانی است که در بن‌مایه‌های فکری خود، هستی‌شناسی مادی را مبنا قرار می‌دهند و از آن منظر به تفسیر و تبیین دشواره‌های سیاسی می‌پردازند. با توجه به این دیدگاه که ریشه در باورهای عمیق دینی دارد، نظام هستی، نظام هدفمند است. باور به اینکه در صدر خلقت، ذاتی واجب، وجود داشته باشد تا هنگامی که وجود وی انکار شود؛ در زاویه دید به سیاست، اهداف آن، حاکمان، ویژگی‌های آنان، مشروعیت و مقبولیت قدرت، چگونگی کاربست و حفظ آن و برخی از دیگر امور فلسفه مدیریتی اثر خواهد داشت. فلسفه، دانشی عقلی است و تکاپوی فیلسوف، ارائه نظام مطلوب و نظریه‌پردازی درباره نظام اجتماعی معقول است. عقلانیت، به معنای تبعیت کامل از استدلال صحیح است. حکمی عقلانی است که همراه با احساسات، عواطف، تعبد یا گزینش‌های خودسرانه و بی‌دلیل نباشد. انسان در جامعه می‌تواند پویا باشد، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های وجودی خود را به ظهور و کمال رساند، بنابراین می‌تواند هدفمند باشد و از سلسله مراتب وجود هستی پیروی کند. هستی، جلوه‌ای از ذات وجود است و جامعه انسانی نیز در مراتب هستی باید در جهت نظام احسن حرکت کند. جلوه این نظام برتر در سیاست، به شکل جامعه احسن تجلی می‌یابد. انسان برتر در جامعه برتر و جامعه برتر در صورت پیروی از پیام برتر تحقق می‌یابد و پیام برتر آن است که از سوی مطلق وجود، ابلاغ شده باشد و فضیلت آن به این علت است که قانون‌گذار به همه ساحت‌ها و نیازهای انسان، شناخت دارد و آن

قانون‌گذار با توجه به طبع مدنی انسان، زمینه‌ها و بسترهایی را فراهم کرده است تا بتواند در اجتماع به سعادت دنیایی و اخروی دست یابد؛ مراتب هستی از مبدأ و ذات واجب آغاز می‌شود و سپس هستی‌های گوناگون با مراتب گوناگون وجود دارد که در فروترین مرحله، جهان طبیعت است. بر این اساس، می‌توان جامعه انسانی را نیز مورد مداخله قرار داد، جامعه‌ای که به راستی خداوند را در رأس هرم هستی می‌داند و در جهت ارزش‌های راستین انسانی راه می‌پوید، جامعه مطلوب خواهد بود. اما اگر در رأس آن هرم، انسان و خواسته‌های نادرست وی قرار داشته باشد، جامعه از راه شایسته خود دور می‌شود. اگر در رأس خواسته‌های جامعه به طور جدی ارزش‌های انسانی و آسمانی، عدالت و آزادی باشد، حرکت آن تکاملی خواهد بود و اگر فقط به سود و منافع شخصی اندیشیده شود، قدرت و حفظ آن اصالت می‌یابد و جامعه از کمال دور می‌شود. برای هر موجودی، حرکت فطری وجود دارد و برای انسان، افزون بر آن حرکت جوهری فراگیر، حرکتی دیگر نیز هست که سرچشمه آن، ذات انسان است و آن، حالت‌ها و اخلاق انسانی است به انگیزه قربت و حرکت بر منہج توحید و روش یگانه‌پرستان از پیامبران، اولیا و پیروان آنان. به بیان حاج ملاهادی سبزواری، هر موجودی طبیعی یک نوع عبادت‌تکوینی دارد که به اعتبار امر و نهی تکوینی است و اما برای انسان، عبادت تکلیفی نیز به اعتبار اوامر و نواهی تکلیفی وجود دارد که از راه شریعت و طریقت به انسان رسیده است. طبق نظام اجتماعی اسلام مبنای وضع قوانین اجتماعی، وحی و شریعت الهی است. قوانین نظام اجتماعی براساس آموزه‌های قرآنی از نظر هستی‌شناسی بر پایه توحید است و همه موجودات وحدت دارند و هدفی مشترک، آن هم قربت الی الله است و با ارتباط با هم مانند یک سیستم با تبعیت از تشریعات بر مبنای تکوینات براساس تدبیر خداوند همواره فعال‌اند.

الگوی بومی مدیریتی، منطبق با شرایط کشور جمهوری اسلامی ایران که ما به دنبال آن هستیم و طبق آن سعی بر شناخت مبانی هستی‌شناسی نظامات اجتماعی داریم، دارای پنج بُعد توحید، غایت‌مندی، سلسله مراتبی بودن، تبعیت تشریع از تکوین و وجود روابط متقابل جهان هستی می‌باشند. برای دستیابی به هر انتها یا غایت باید رویه و مقدمات آن گذرانده شود. فلسفه‌ی هر چیز برای رسیدن به یک نگاه، مستلزم شناختن است. شناخت، یک مبدأ و رسیدن به آن شناخت، یک مقصد است. درک صحیح از ریشه‌های علمی و علوی یک موضوع از اهمیت پرداختن به آن است. هستی‌شناسی یک معقوله ما را در رسیدن به تعالی آن، کمک به‌سزایی می‌کند. شرایطی به وجود آمده است که در این دنیای پر از تحول، ما باید به سراغ نسخه‌ای کامل و جامع برویم. این دیدگاه ما را به سمت مدیریت راهبردی کارآمد و خدامحور هدایت می‌کند. بنابراین بسته به نظام اجتماعی می‌توان از مدل خورشیدی ارائه شده بنابر اقتضائات بهره برد.

۱. افراسیاب پور، علی اکبر؛ ولی پور چهارده چریک، فلور (۱۳۹۴). «نگرش عرفانی به هستی‌شناسی امام علی (ع)». فصلنامه عرفان اسلامی، ۱۳ (۵۱)، ص ۱۴۷-۱۶۲.
۲. امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴). مبانی روش‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی فریضه حج از منظر امام خامنه‌ای. حسن خدادادی.
۳. جعفری، محمد تقی (۱۳۸۷). مولوی و جهان‌بینی‌ها. چاپ ششم. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸). حق و تکلیف در اسلام. قم: مرکز نشر اسراء.
۵. سلطانی، مصطفی؛ فرمانیان، مهدی؛ روحی، نبی‌الله (۱۳۹۸). «بنیان‌های فکری تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری». فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، ۴ (۱۴)، ص ۵-۲۹.
۶. سیمبر، رضا (۱۳۹۳). «مبانی هستی‌شناسی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه آفاق امنیت، ۷ (۲۲)، ص ۵-۲۶.
۷. صفراهنک، رسول (۱۳۹۹). «نقد فرانظری مبانی هستی‌شناختی حکمرانی دولت‌ها در سیاست‌گذاری سلامت برای کنترل همه‌گیری کووید-۱۹ (مطالعه موردی ایران)». پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۵ (۲)، ص ۱۸۳-۲۲۴.
۸. عابدی، محمد (۱۳۹۶). «مبانی هستی‌شناسی قرآنی و برآیند آن در سیاست اسلامی از منظر علامه طباطبایی (ره)». قیسات، ۲۲ (۸۵)، ص ۱۹۷-۲۲۳.
۹. عروتنی موفق، اکبر (۱۳۹۵). «مبانی هستی‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)». فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۶ (۲۱)، ص ۵۱-۶۷.
۱۰. عظیمی شوشتری، عباسعلی؛ میرچراغ خانی، حسین (۱۳۹۶). «اسلام و مبانی هستی‌شناسی علوم انسانی». اولین همایش بین‌المللی مطالعات و تحقیقات علوم انسانی و اسلامی، شیراز، ایران.
۱۱. فنائی اشکوری، محمد (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر فلسفه اسلامی معاصر. قم: مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره).
۱۲. گودرزی، محمد؛ بهشتی، سعید (۱۳۹۴). «هستی‌شناسی علم و ادراک در حکمت متعالیه و دلالت‌های آن بر تعریف علم در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی». فصلنامه پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، ۱ (۲)، ص ۱۲۳-۱۳۴.
۱۳. معلوف، لویس (۱۳۸۶). المنجد (عربی با فارسی) (ج ۱). محمد بندر ریگی. چاپ ششم. تهران: انتشارات ایران.
۱۴. مقنی‌زاده، محمدحسن (۱۳۷۷). «مدیریت جهادی (روحیه جهادی- فرهنگ جهادی)». اولین جشنواره شهید رجایی، همایش مشارکت کارکنان و نقش آن در پیشرفت امور سازمانی، تهران، ایران.
۱۵. موسی‌پور، محمدیاسر (۱۳۹۶). «تحلیلی بر مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی نظریه برخاسته از زمینه». فصلنامه علمی-پژوهشی کیمیای هنر، ۶ (۲۵)، ص ۷-۲۲.
۱۶. میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۱). «اطلاعات به‌مثابه علم». فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۵ (۵۶)، ص ۷-۴۰.
۱۷. وارل، جان (۱۳۸۴). «هستی‌شناسی علم». مسعود الوند. حوزه و دانشگاه، ۴۳.
۱۸. حنفی‌زاده، پیام و محرابیون محمدی، محمد (۱۳۹۲). «طراحی سیستم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: یک رویکرد سیستمی نرم». مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

19. Boseleywoolf, H. (1987). The basis upon which something stands or is supported. Webster's new collegiate dictionary, Spring Field: G&C. Merrian Company, P: 454.
20. Dessler, D. (1989). What's at the stake in the Agent-Structure Debate?. International Organization, 43, P: 3.
21. Kelly, G. A. (1955). The Psychology of Personal Constructs. Norton, New York.
22. Krauss, S. E. (2005). "Research Paradigms and Meaning Making", A Primer the Qualitative Report, 10(4), P: 770-758.
23. Siau, K., and Tan, X. (2005). Improving the quality of conceptual modeling using cognitive mapping techniques. Data Knowl. Eng.55(3), P: 365-343
24. Checkland, P. (1999). Soft Systems Methodology: A Thirty-Year Retrospective Systems, Research and Behavioral Science, 17: S11-S58.
25. Wilson, B. (2001). Soft Systems Methodology, Conceptual Model Building and its Contribution, John Willy and Sons LTD, UK.